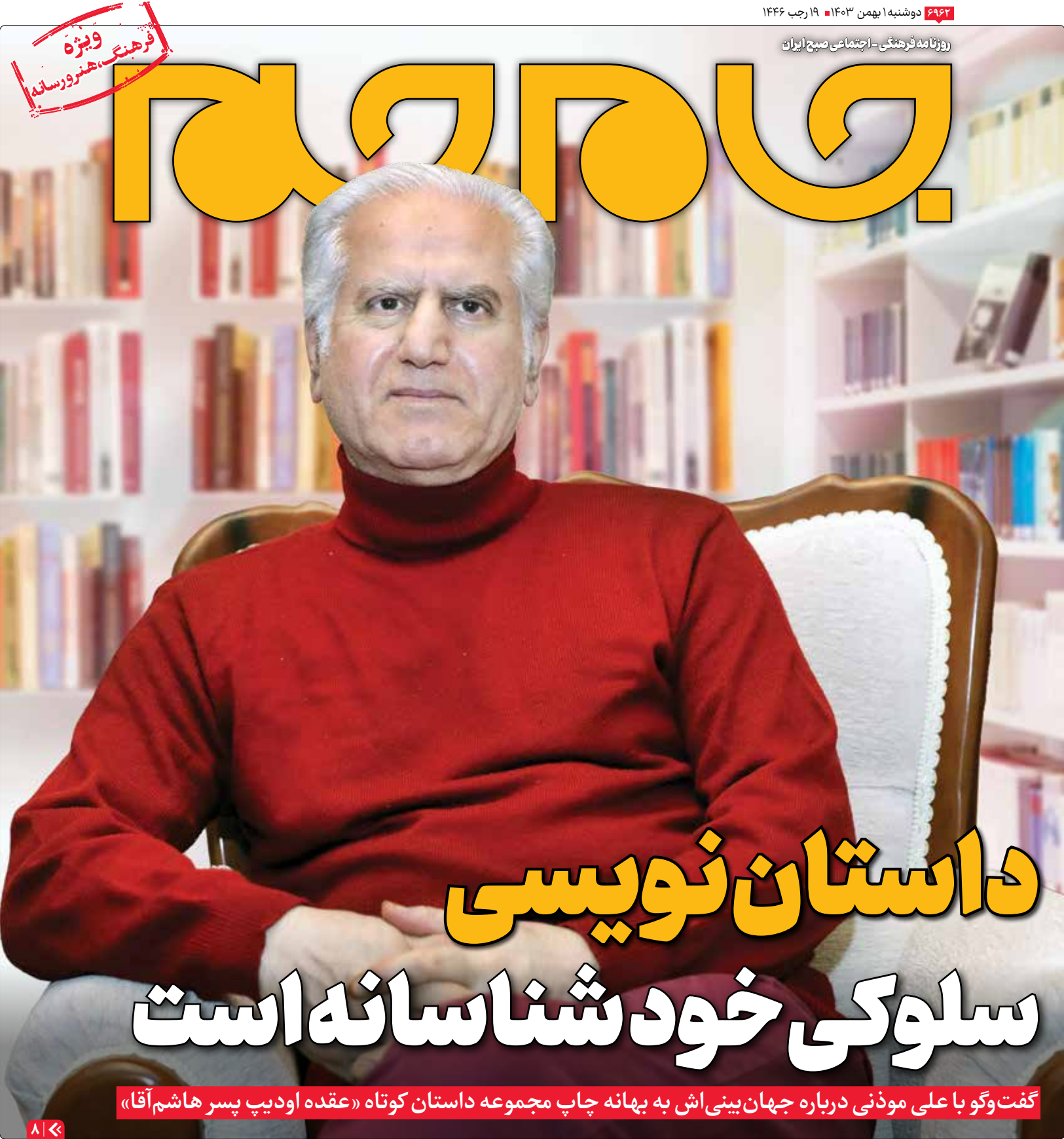




## رسانه ملی پیشرو در آموزش سواد حقوقی

■ سریال «آقای قاضی» را از منظر تحول

در نگرش عمومی نسبت به دادگاه ها و حقوق افراد بررسی کردیم

۷/۴

## رونمایی از ۲۵ محصول فناورانه رسانه ملی

■ قائم مقام معاونت توسعه و فناوری

از جزئیات برگزاری بیست و یکمین دوره اجلاس فناوری رسانه می گوید

۶/۴

## تِلِماسه؛ آخر الزمان به روایت صهیونیسم

۱۰/۴

📌 زایه دید

## معنای الهی مقاومت فلسطین

امام و رهبر معظم، بارها سنت الهی و در تقابل با آن سنت شیطانی را در عرصه جهاد و تکالیف مقاومت برابر ظلم و کفر مجارب معرفی کرده و امت مجاهد را هشیاری و آگاهی بخشیده‌اند. یک سنت



احمد میراحسان نویسنده و منتقد

شیطانی و نفسانی در قلمرو حکمرانی جهل و نفاق آن است که در تغییر وضعیت از پیروزی به شرایط دشوار مقاومت که در هر نبردی می‌تواند رخ دهد، فریادهای خدمقاومت و ستایش راه‌های ذلت، تسلیم بلند می‌شود و فرصت را برای نفی جهد و تلاش و جهاد و اثبات و صحت خط سرسپردگی به شیطان و فرعون و نظام قدرت جائز و ظلم و سلطه مغتتم دانسته و تبلیغ تهاجمی و شبهات فراوانی را نشر می‌دهند و در میان مردم بی‌خبر می‌پراکنند و مبلغ زیستن چون بره قربانی و ولع زندگی در ذلت می‌شوند. اهل ایمان می‌دانند جنگ، جنگ است و جنگ همیشه پیروزی فوری به بار نمی‌آورد، ولو اگر پیامبر خدا و اولیاء...! امامان معصوم صلوات...! علیهم فرمانده جنگ باشند. آنها به تحقق وعده یاری خدا یقین دارند و صبر پیشه می‌کنند و پیروزی را در هر حال از آن خود می‌دانند که به فرمان خدا عمل کرده‌اند. افراد سست‌ایمان و فاقد باور و اتکال به خدا، در شرایط و آزمایش‌های مشقت‌بار، در هم می‌شکنند. از مقاومت پشیمان می‌شوند و این تزلزل در بریدن و اعتراض به اصل مقاومت برابر کفر و ظلم، بروز می‌یابد و راه نسنجگان در خانه و اهل نفاق و سازش با دشمنان خدا و گریزندگان از جهاد را درست و معقول و معتبر وانمود کرده، مردم را از گرد رهبری مقاومت و پایداری در توحید و حق و عدل، پراکنده می‌کنند. هر رهبر الهی، از پیش واقف به سر برآوردن این روحیه شیطان‌زدگی در شرایط سخت است و هر اهل ایمانی با معرفت و صبر علیه نشر تزلزل برابر آن مقاومت را ترویج می‌کند. بعد از ماجرای وحشیگری و درنده‌خویی رژیم غاصب صهیونی و آمریکا انواع صداهای حق به جانب و نادم از مقاومت در داخل و خارج طنین‌انداز شد و کسانی که از روز نخست نفی‌کننده مقاومت و خواهان به رسمیت شناختن

غصب و ستم بودند فرصت را از دست ندادند و زبان‌دراز‌بذگویی از مقاومت از سوی غرب‌گرایان بالا گرفت و شبکه‌ها و رسانه‌های دشمن اسلام و استقلال مسلمانان و ابزار اغواگر قدرت‌های سلطه‌جو در مردم تسلیم، ترس و تردید پخش کردند اما شبهه‌ها در قدرتمندترین ظاهر فریب‌دهنده‌شان، به‌محض فرارگرفتن در آفتاب واقعیات و رویدادها و شناخت طرح دشمن چون برف در وسط تابستان آب شده و بیهودگی و ترس‌زدگی و سست‌عهدی‌شان آشکار می‌شود. زیرا آنان برهان مستحکم مقاومت را بی‌پاسخ می‌گذارند. برهان مقاومت یک چیز است: هیچ راه دیگری برابر این شجره خبیثه وجود ندارد و ترک محاصره ضروری به معنای خطا بودن مقاومت نیست و این مقاومت تنها با ایمان ناب و درک از انجام تکلیف الهی قابل توجیه و فهم است و کسانی که محروم از این باور هستند و در قلب و عقلشان ولایت الهی جایی ندارد، در این شرایط سخت خود را می‌بازند و از شور و احساس روزهای پیروزی و امید پیروزی آسان‌تبی می‌شوند و بر دامان هر شبهه‌ای می‌آویزند. این همان چیزی است که جبهه کفر و ظلم می‌خواهد و اینان همان نقش رایفا می‌کنند. شبهات هرگز به اصل قطعی تکلیف محرز الهی کاری ندارند و مدام بر اغراض و اهداف دشمن آویزان شده و می‌کوشند دل اهل ایمان را خالی کنند. معلوم نیست در روزهایی که امید پیروزی ارزان داشتند چرا به این شقوق و وسوسه شیطانی التفات نداشتند و فکرش را نکردند. امروز است که برای بی‌اعتباری مقاومت شبهات و اتهاماتی را نشر می‌دهند که محصول نگاه غلط به ماجرای مقاومت غزه است. پاره‌ای از شبهات از این قرار است: اصلاً پروژه از اول یک طرح اسرائیلی برای کشتار و نابودی مردم غزه و غزه بود. نتانیاهو فلسطینی‌ها را به‌طرف عملیاتی که حکم خودکشی داشت سوق داد و به بهانه ۷ اکتبر نقشه شوم پاک‌سازی نسل‌اش را به اجرا در آورد. حجم ویرانی‌ها هیچ عادی نیست و خبر از یک قصد طراحی شده می‌دهد. فقط یک سوم ساختمان‌ها آسیب ندیده و با این حجم از ویرانی غزه به نماد منفی و عدم نتیجه‌بخش بودن مقاومت بدل شده است. هدف اصلی

با فریب آنان قدم اول جنایت یعنی محو فلسطین را به ثمر می‌رساند و سپس یکایک این نوکران را غلام حلقه به‌گوش یهودیت سامری می‌کرد و نقشه شوم اسلام‌ستیزی‌اش را به پایان می‌برد. از روز اول بازکردن پای صهیونیسم به فلسطین نقشه کفر جهانی محو اسلام بود و مقاومت تنها راه تقابل با این نقشه جنون بار است. نکته دیگر امیدزدایی کسانی است که مطلقاً باوری به خدا ندارند. الحاد و شرک و نفاق، اصلاً به حقیقت قدرت و علم و شاهد بودن خدا و وعده‌های قرآن مجید به یاری مؤمنان در مقاومت و جهاد با کفر ایمان ندارند و تنها انسان را مؤثر در رخدادها می‌دانند و به سنت‌های الهی بی‌اعتقادند. این که ترک محاصره سیلی از سؤال و تقاضا پیششاری حماس قرار خواهد داد، درست است. این که مردم خواهند پرسید نتیجه این عملیات چه بوده و ویرانی و کشتار جنایتکارانه اسرائیل تأثیرات طولانی‌مدت خواهد داشت درست است اما ضمناً این تأثیر فقط علیه مقاومت نخواهد بود؛ بلکه تأیید مقاومت هم می‌تواند باشد. وقتی نیت اسرائیل مسجل شود که کارش نابودی مردم منطقه و اشغال سرزمین‌های مسلمانان است آنگاه حقانیت مقاومت هم اثبات خواهد شد. نکته بعدی وضع سازشکاران است. محمود عباس و انور رجب که در واقع به نیروهای سرکوب حق‌طلبی فلسطینی‌ها در درون فلسطینی‌ها و حاکمان صوری کرانه باختری بدل شده‌اند، چه به دست‌آوردند؟ تازه این وضعی است که اسرائیل برای فریب فلسطینی‌ها و سرکوب مقاومت قاعدتاً باید امتیازهای فراوانی به کرانه باختری بدهد اما وقتی محمود عباس در سازمان ملل از دست خشونت موهن و اسارت و بردگی و رفتار ددمنشانه اسرائیل به مردم عالم پناه می‌برد، می‌توان درک کرد اهل سازش نه‌تنها هرچه داشتند باختند؛ بلکه امید‌زدگی در شرایط پذیرش بردگی را هم ندارند. محمود عباس و انور رجب، فلسطینی‌های مبارز با اسرائیل را بدتر از اسرائیل و حشیانه سرکوب می‌کند، می‌کشد و حیات‌شان را ناممکن می‌سازد اما چه به دست‌آورد؟ خود عباس اعتراف می‌کند از ۱۹۹۳ تا ۲۰۲۰ مستمراً سرزمین‌های‌شان بیشتر از ۱۹۱۷ تا ۱۹۶۷ به‌وسیله اسرائیل دزدیده شده و اسرائیل آشکارا هدف و ولع خود را در اشغال همه فلسطین و نابودی مردم و کوچاندن‌شان و وضعی شبیه سرخپوستان و بومی‌های نیوزیلند، آمریکا و کانادا و بلعیدن زمین‌هایشان پنهان نمی‌کند.



متن کامل

📌 دوشنبه‌نویس‌ها

محمد تقی فهمی، نویسنده و منتقد

### جشنواره فیلم فجر؛ همه با هم هستیم!!

این روزها همه حرف و حدیث‌های فرهنگی - هنری به جشنواره فیلم فجر ختم می‌شود. از هر منظری به سینما نگاه کنیم، اولویت این رویداد مهم و باشکوه به چشم می‌آید. اصلاً مگر می‌شود منکر جایگاه تأثیرگذار این جشنواره بر دیگر حوزه‌های هنر و حتی بر عرصه فرهنگی/دیپلماسی عمومی شد. خصوصاً برای نسل ما جشنواره همه چیز است؛ عید است، جشن است، گردهمایی سینمایی و دوستانه است، اساساً عفت است. این جشنواره با ما قد کشید و ما به پای آن، پیر شدیم! شوخی نیست که فردی مانند نگارنده، ۴۰ دوره در متن و بطن و همراه و همگام جشنواره جلوآمده‌ام. شاید باورش برای برخی سخت باشد، ولی حقیقت دارد که همه سال انتظار رسیدن بهمن ماه، امید به زندگی را در ما تقویت می‌کند. مانند کشاورز و باغداری که هر سال پرتلاش شخم می‌زند، دانه می‌پاشد، نهال می‌کار، هرس می‌کند، چشم به آسمان دارد تا ببارد و پای کاشته‌هایش می‌نشیند تا بروثمر بهتری برداشت کند. این امید هر ساله در او قوی‌تر از سال قبل بروز و ظهور دارد. بر ما هم همین زیست امیدوارانه باغداران حاکم است. می‌نویسیم، نقد مکتوب و شفاهی می‌کنیم، تبلیغ می‌کنیم، نهی و نفی و اعتراض می‌کنیم، همه‌اش به امید این‌که سینمای کشور در تمام زمینه‌ها و مؤلفه‌های ساختاری/فرمی و تعالی مضمونی‌اش رشد و بالندگی پیدا کند و نمود و ثمره این ظرفیت و پتانسیل را در جشنواره به تماشای بنشینیم. سال و دوره‌ای بوده که فیلم‌ها در حد انتظار مان نپودند یا مبدییت اجرایی ضعیف و شلخته ظاهر شدند، وضعیتی که کفری شدیم و اختیار زبان و قلم را کنترل نکردیم و تند رفتیم! اما همه چیز به این ختم نشده و دوره‌ای دیگر به وجد آمدیم. فیلم‌ها سر حال مان آوردند و اجرای قانونمند و منظم و احترام‌آمیز مجریان، شغف و سرزندگی را در ما برمی‌انگیخت تا شب‌های ایام جشنواره را با رویا به صبح برسانیم. هر ساله ۱۰ روز به اقصی نقاط کشور سفر می‌کنیم، با دیدن درد و رنج مردم ناراحت می‌شویم. با شادی‌های‌شان مسرور، توسعه را تجربه می‌کنیم همچنان‌که با حماسه‌پردازان روزمندگان در دوران دفاع مقدس هم‌ذات‌پنداری می‌کنیم، با آیین‌های‌شان همراه می‌شویم و مناسک‌شان را راج می‌نهیم، فقرشان آزارمان می‌دهد، رفاه‌شان به‌شکر وامی‌دارد مان و ... خلاصه ایام پر شور و نشاطی را پیش‌رو داریم که اصلاً دل‌مان نمی‌خواهد جشنواره تمام شود. نزدیک به اختتامیه «دپرس» و افسرده می‌شویم که «ای دل غافل این تنها دردانه ما اهل سینما، اعم از سینه‌فیل‌ها تا طرفداران فیلم‌های جدی و خشک و عبوس به پایان رسید حالا از فردا چه کنیم؟» واقعا که ترک برج میلاد، خانه جشنواره، سخت آزاردهنده می‌شود، مگر به عشق و امید این‌که سال بعدی هم هست. برای همه گروه‌های سنی خانواده سینما و هنرمندان همین حال و هوا مصداق دارد. هنرجو و دانشجوی سینما باشد یا فیلمساز آماتور، تازه‌وارد یا کارگردان و سینماگر یا به سن گذشته باده‌ها فیلم در کارنامه‌شان فرقی نمی‌کند، جشنواره فجر برای همه ذوق‌آور و حال‌خوب‌کن است. هیچ «استیج»ی به قول امروزی‌ها و صحنه و میدانی برای فیلمسازان؛ جشنواره فجر نهی‌شود. شک‌نکند حتی آنهایی که به‌اره‌ها و آن‌ورآب‌ها پیدا می‌کنند دست بر نمی‌گردند، به عشق این است که اینجا دیده شوند. می‌دانند که نابغه‌ترین‌که باشند، در آن سونابغه سوخته‌اند. باید باج موضوعی/مضمونی بدهند تا دیده شوند. هرچقدر روی استیج برای‌شان هورا بکشند، در درون خود را مغموم و بازنده می‌پندارند، اما اینجانه تنها باج نمی‌دهند که بزرگ‌شان می‌دارند. مردم برای سلفی گرفتن در صف می‌ایستند. هیچ جانفس گرم تماشاگر، هوادار و طرفداران این دیار را برای فیلمساز رقم نمی‌زند. برای همین است که امسال شاهد مشارکت همه قهر کرده‌های دو سال گذشته هستیم. به‌زعم نگارنده اصلاً نباید از آنهایی که به هر دلیلی نیامدند (اعم از فیلمساز تا کارشناس و اهل رسانه و...) و امسال اعلام حضور کردند گله‌مند بود. منهای معدود افرادی که به این شکوه و رویداد ارزشمند فراگیر لگد زدند و پشت به هویت و ریشه‌های اینجایی خود کردند، دیگرانی که تحت تأثیر برخی تبلیغات و جو ایجاد شده از جشنواره روی گردانند و این دوره را با گذشتند، خوش آمدند و باید به استقبال‌شان رفت. جشنواره فیلم فجر محیط و مأمن و سنگر فرهنگی/هنری همه ایرانیان وطن‌پرست و ملی‌است، مقدم همه‌شان گرمای باد.